

[www.salampnu.com](http://www.salampnu.com)

## سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

[www.salampnu.com](http://www.salampnu.com)



# قواعد عربی ۲

مؤلف: ڈاکٹر سید محمد حسینی

تهیه کننده :

دکتر علی زمانی

# هدفهاي رفتاري

- شناخت فعل متصرف
- تعريف اسم
- اقسام اسم
- اسم جامد
- اسم مشتق
- اقسام مصدر
- اسم موصوف و صفت
- اسم قاعل
- اسم مفعول
- صفت مشابهه
- صيغه مبالغه
- اسم تفضيل
- اسم زمان و مكان
- اسم الت
- اسم مقصور ممدود منقوص
- مثنى
- جمع
- اسم جمع
- مذكر و مؤنث
- اعراب و بناء
- ضمير
- اسم اشاره
- اسم موصول
- اسماء شرط
- اسم كنايات
- اسماء استقهام
- اسم متصرف و غير متصرف

# فعل متصرف

فعل متصرف فعلی است که همراه با زمان  
انجام گرفتن کاری یا روی دادن حالتی را نشان  
دهد و در شکلهای گوناگون به کار رود

ص ۱

# فعل متصرف

- فعل متصرف دو گونه است :
- ۱. فعلی که هر سه نوع فعل با همه صیغه های آن ها از آن آمده باشد. مثل: نصر ینصر انصر
- ۲. فعلی که دارای تصرف کامل نباشد. برای نمونه ماضی و مضارع از آن آمده ولی فعل امر نیامده باشد. مانند: کاد یکاد

# فعل تعجب

- وزن و ریخت دو فعل تعجب عبارتند از:
- ما افعله - افعل به
- مانند: ما احسن العقل و اقبح بالجهل
- ص ۲

# فعل تعجب

- دو فعل تعجب از فعل ثلاثي مجرد مثبت متصرف معلوم و تام که دارای رنگ و عیب نباشد بنا می گردد.

- ص ۲



# فعل تعجب

- با در نظر گرفتن ویژگی های فعل متصرف فعلهای تعجب غیر متصرف و جامدند.

- ص ۲

# افعال مدح و ذم

- افعال مدح و ذم فعلهاي هستند که براي ايجاد ستايش و نكوهش به كار مي رود .

- ص ۳

# فعلهاي مدح

- فعلهاي مدح عبارتند از :
- نعم- حبّ - حبذا-
- مثل : نعم الرجل علي
- ص ۳

# فعل ذم

- فعلهاي ذم عبارتند از :
- بئس - ساء - لاحبذا-
- مثل: بئست المراه هند
- ص ۳

## شبه فعل

- منظور از شبه فعل اسمهایی است که دارای معنی فعل (انجام کاری یا ردی دادن حالتی) باشد. از اینرو این واژگان را الاسماء المشبهه بالافعال یا الاسماء المتصله بالافعال نامیده اند
- ص ۳

# شبه فعل

- شبه فعل نه گونه است :
- مصدر - اسم فاعل - ام مفعول - صفت مشببه - صيغه هاي  
مبالغه - اسم تفضيل - اسم زمان - اسم مكان و اسم آلت
- ص ۳

# اسم

- اسم کلمه ای است که به خودی خود دارای معنایی مستقل و در نخستین کاربرد خود با هیچ يك از زمانهای سه گانه همراه نبوده است مانند علی بحر
- ص ۱۲

# اسم

اسم در زبان عربي با توجه به حروف اصلي آن بر سه گونه است

اسم ثلاثي- اسم رباعي و اسم خماسي

هر يك از آن يا مجرد است و تنها داراي حروف اصلي است  
يا مزيد فيه يعني گذشته از حروف اصلي داراي حرف يا  
حرفهاي زائدي نيز است.

ص ۱۲



# اسم

- هر اسمی که بیش از ۵ حرف داشته باشد مزید فیه است
- ص ۱۲

# اسم

- اسم ثلاثي مجرد داراي ۱۰ ساخت و وزن است
- فلس بر وزن فعل
- فرس بر وزن فعل
- كتف بر وزن فعل
- عضد بر وزن فعل
- حبر بر وزن فعل
- ص ۱۲ و ۱۳
- عنب بر وزن فعل
- ابل بر وزن فعل
- قفل بر وزن فعل
- صرد بر وزن فعل
- عنق بر وزن فعل

# اسم

- اسم ثلاثي داراي وزنهاي مزيد بسياري است مانند :
- افكل- اصبع- اسلام- اصلوب-
- ص ۱۳

# اسم

- کمترین حروف اصلي اسم متمکن ( معرب ) سه حرف است
- ص ۱۳

# اسم

- اسم رباعي مجرد داراي ۵ وزن مشهور است
- جعفر بر وزن فعل
- کندر بر وزن فعل
- زبرج بر وزن فعل
- قمطر بر وزن فعّل
- درهم بر وزن فعل
- ص ۱۴

# اسم

- حرف دوم یا سوم رباعي ساکن است براي جلوگيري از توالي چهار حرکت در يك کلمه که شکلي نپسند و مردود است

- ص ۱۵

اسم

- چند نمونه از وزنهای رباعی مزید
- فدوکس بر وزن فعولل
- عنقود بر وزن فعلول
- ص ۱۵

# اسم

- اسم خماسي در ۴ وزن آمده است :  
سفرجل بر وزن فعلّ
- جردحل بر وزن فعلّ
- جحمرش بر وزن فعلل
- خزعبل بر وزن فعلّ
- ص ۱۶



# اسم

- اسم بر دو گونه است :
- متصرف و غیر متصرف
- ص ۱۷

# اسم متصرف

- اسم متصرف اسمی است که در شکلهای مثنی جمع مصغر و منصوب یا در بعضی از این شکلهای به کار رود
- کتاب - کتابان - کتب
- ص ۱۷

# اسم غیر متصرف

- اسم غیر متصرف اسمی است که همواره در يك شکل به کار رود مانند
- اذ- اذا- من - ما
- ص ۱۷

# اسم متصرف

- اسم متصرف دو گونه است :  
جامد – مشتق  
ص ۱۷

# اسم جامد

- اسم جامد : أُي است که از فعل گرفته نشده باشد مانند :
- رجل - درهم
- ص ۱۸

# اسم مشتق

- اسم مشتق : آن است که از فعل گرفته شده باشد مانند:
- عالم- متعلم
- ص ۱۸

# مصدر

- مصدر ثلاثي مجرد اصل و خواستگاه همه مشتقات است
- ص ۱۹

# مصدر

- مصادر غير ثلاثي مجرد از فل ماضي گرفته شده اند
- ص ۱۹



# مصدر

- اشتقاق مشتقات از مصدر بدین گونه است:
- فعل ماضی از مصدر و فعل مضارع از فعل ماضی بنا می گردد
- اسم فاعل - اسم زمان - اسم مکان - اسم آلت همه از مضارع معلوم گرفته می شود.
- اسم مفعول از مضارع مجهول بنا می گردد
- ص ۱۹

# مصدر

- اسمهاي مشتق ده گونه اند :
- اسم فاعل - اسم مفعول - صفت مشابهه - صيغه مبالغه - اسم تفضيل - اسم زمان - اسم مكان - مصدر ميمي - مصدر فعلهاي بيش از سه حرفي و اسن آلت
- ص ۱۹

# مصدر

- مصدر لفظي است که معني فعل و حروف آن را بدون زمان در بر دارد مانند:
- حسن ( زیبایي)
- تعليم یاد دادن
- ص ۱۹

# مصدر

- مصدر سه گونه است:
  - مصدر مجرد
  - مصدر مزید
  - مصدر میمی
  - ص ۱۹

# مصدر

مصدر مجرد خود بر دو نوع است :

۱. مصدر ثلاثي مانند : عدل- نصر- ذهاب
۲. مصدر رباعي مانند: ترجمه – زلزال

# مصدر

- هرگاه مصدر به معني حرفه و شغل باشد داراي وزن فعالة است خواهد بود مانند: زراعة- تجارة

- ص ۲۱

# مصدر

- در صورتی که مصدر به معنی پریشانی و ناآرامی باشد وزن آن فعّلان خواهد بود . مانند:  
قلیان - دوران
- ص ۲۲

## مصدر

- مصدر بي که در معني صوت و آهنگ به کار رود داراي وزن فعال يا فعيل خواهد بود. مانند: نعب- صراخ
- ص ۲۲



# مصدر

- چنانچه مصدر به رنگی دلالت کند بر وزن فعلة خواهد آمد

.

- مانند : حمرة

- ص ۲۲

# مصدر

- در صورتی که مصدر دارای معنی امتناع و نپذیرفتن باشد بر وزن فعال خواهد بود.
- مانند: نفار - اباء
- ص ۲۲

# مصدر

مصدري که در معني درد آمده باشد وزن آن فعال خواهد بود

چون : زکام

ص ۲۲

# مصدر

- چنانچه مصدر به معني راه رفتن باشد بر وزن فعيل مي آيد
- مانند : رحيل
- ص ۲۲

## مصدر

- وزن مصدر از فعل ماضي فعل به ضم عين فعوله يا فعالة و يا فعل است مانند:
- جزل- جزالة- سهل - سهولة - كرم- كرمأ
- ص ۲۲

# مصدر

- وزن مصدر فعل لازم فعل است.
- مانند: فرح
- ص ۲۳

# مصدر

- مصدر فعل لازم بر وزن فعول آمده است
- مانند: جلس - جلوساً
- ص ۲۳

# مصدر

- وزن مصدر دو فعل - فعل و فعل - متعدي به ترتیب به فتح و کسر عین فعل است

- مانند: کسب کسبا- فهم فهما

- ص ۲۳



## مصدر

فعل رباعي مجرد داراي دو مصدر است : فعلة و فعلال  
وزن مصدر دوم تنها در فعلهاي مضاعف رباعي قياسي و در  
غير مضاعف سماعي است

مانند: زلزل - زلزلة- زلزالا

ص ۲۳

# مصدر

- مصدر فعل مجهول همان مصدر فعل معلوم است يعني با دگرگوني شکل فعل از معلوم به مجهول هيچ تغييری در مصدر آن روس نمي دهد.
- مانند نصر- نصرا -انذر- انذارا
- ص ۲۵

# مصدر

- مصدر میمی:
- مصدریاست که در معنی با مصدر عادی فرقی ندارد . با افزودن حرف میم به آغاز فعل مصدر میمی به دست می آید
- ص ۲۶

# مصدر

- مصدر میمی از فعل ثلاثی مجرد بر وزن مفعَل به فتح میم و عین می آید
- مانند: ماخذ- مشرب
- ص ۲۶

# مصدر

- وزن مصدر میمی از فعل غیر سه حرفی وزن اسم مفعول همان فعل است.
- مانند: مکتسب- مکرم
- ص ۲۷

# مصدر

- مصدر جعلی :
- اسمی است با یاء مشددنسبت که به آخر آن تاء تانیث پیوسته و دارای معنی مصدر می باشد
- مانند : عالمیة
- ص ۲۷

# مصدر

- مصدر جعلی کہ خود نوعی صفت است هیچ گاہ با موصوف خود ہمراہ نیست

- ص ۲۸

# مصدر

- اسم مصدر اسمی است که معنی مصدر دارد ولی حروف آن در لفظ یا در تقریر از حروف فعلش کمتر است.
- مانند: ایسر. یسرا
- ص ۲۸



# اسم مرة

- اسم مرة:
- مصدري است به معني يك بار انجام گرفتن فعل
- مانند: نظرت اليه نظرة
- ص ۳۰

# اسم نوع

- اسم نوع:
- مصدري است نمایانگر هیئت و نوع فعل
- مانند هجم الي هجمة
- ص ۳۰

# اسم مرة

- وزن مرة:
- از فعل ثلاثي مجرد فعلة است و وزن نوع يا هيئة است
- مانند : ضربة
- ص ۳۰

# اسم مرة و نوع

- مرة و نوع:
- از فعل بیش از سه حرفی بر وزن مصدر آن فعل همراه با تاء تانیث به کار می‌ورد
- مانند: استمعت- استماعه
- ص ۳۰

# اسم موصوف

- اسم موصوف:  
هر اسمي را گویند که انسان جانور شيء یا معنایی را با آن بنامند.

- مانند: احمد

- ص ۳۲

# صفت

- صفت کلمه ای است که معنی موصوف را روشن می گرداند.
- مانند : فاضل

# صفت

- صفت کلمه است که معنی موصوف را روشن می گرداند  
مانند: فاضلٍ ِ ِ ِ
- ص ۳۲

# موصوف

- همه اسمهاي جامد موصوفند
- ص ۳۲



# صفت و موصوف

- از میان اسمهای مشتق اسم زمان مکان و اسم آلت موصوف و بقیه همه صفتند

- ص ۳۲

## اسم فاعل

- اسم فاعل ساختی از نشان دهنده کسی یا چیزی که فعل از او سرزده یا او بدان بازیسته است. این معنی یافعل برای فاعل همواره پایدار نیست و دگرگونی پذیر است. مانند: ناصر

• ص ۳۳

## اسم فاعل

- اسم فاعل از فعل ثلاثي مجرد بر وزن فاعل مي آيد. مانند:  
ذهب- ذاهب
- اسم فاعل از غير ثلاثي مجرد بر وزن فعل مضارع معلّم به مي رود به جاي حرف مضارع ميّم مضموم مي آيد و حرف پيش از آخر آن پيوسته مكسور مي گردد.
- ص ۳۳

# اسم مفعول

- اسم مفعول ساختن است نسان دهنده کسی یا چیزی که فعل بر آن انجام شده است مانند: معظم

- ص ۳۵

# اسم مفعول

- اسم مفعول از فعل مضارع مجهول و متعدي (به خود یا بواسطه) بنا می‌گردد. از ثلاثی مجرد بر وزن مفعول و از غیر ثلاثی مجرد بر وزن مضارع مجهول آن می‌آید بدین گونه که حرف مضارع به میم مضموم بدل می‌گردد.  
مانند: مکتوب

• ص ۳۵

# اسم فاعل و مفعول

- هر يك از اسم فاعل و مفعول داراي شش صيغه است سه مذکر و مؤنث
- ص ۴۰

# اسم فاعل

- صرف اسم فاعل از فعل نصر و ارتضي:
- مذکر = ناصر<sup>۲۸</sup> - ناصران - ناصرون
- مؤنث = ناصرة<sup>۲۹</sup> - ناصرتان - ناصرات
- ص ۴۰

# اسم مفعول

- صرف اسم مفعول از نصر:
- مذکر = منصورٌ - منصورانہ - منصورون
- مؤنث = منصورة- منصورتان - منصورات
- ص ۴۰



## صفت مشبّهه

- صفت مشبّهه ساختي است که از فعل لازم به دست مي آيد و نشان دهنده معني يا صفتي ثابت در موصوف خود است
- مانند: شريف
- ص ۴۲

## صفت مشبّهه

- هر اسم صفتي كه از فعل ثلاثي مجرد مشتق گشته و داراي معني ثبات باشد ولي بر وزن اسم فاعل نباشد بي گمان صفت مشبّهه است.

• ص ۴۲

# مبالغه

- وزنهای مبالغه:
- صفاتی هستند به معنی اسم فاعل که نشان دهنده فزونی صفت در موصوفند
- مانند: علامه = دانشمند بسیار دانا
- ص ۴۶

# اسم تفصیل

- اسم تفصیل :
- صیغہ یا ساختی است کہ فزونی صفت موجود در موصوف را نسبت به دیگری نشان می دهد.
- مانند: خلیل اعلم من سعید
- ص ۴۹

# اسم تفصیل

- ساخت اسم تفصیل از ثلاثی بر وزن افعَل است
- مانند: افضل
- مونث آن بر وزن فعْلی است
- مانند: فضْلی
- ص ۴۹

# اسم زمان

- اسم زمان:
- ساختی است که جای روی دادن فعل را نشان می دهد .
- اسم مکان نیز از فعل گرفته می شود
- مانند: مجلس
- ص ۵۴

# اسم مکان

گاه برای نشان دادن فراوانی چیزی در جایی از اسمها اسم مکانی بر وزن مفعلة بنا می کنند

مانند: مسبعة

ص ۵۵

# اسم زمان و مکان

- اسم زمان و مکان از غیر ثلاثی مجرد بر وزن اسم مفعول می آید
- مانند: مجتمع
- ص ۵۶



# اسم آلت

- اسم آلت:
- اسم آلت ساختی است به معنی ابزار کار و بر دو گونه است:
- ۱. مشتق
- ۲. غیر مشتق
- ص ۵۶

# اسم آلت

- اسم آلت مشتق:
- از فعل ثلاثي مجرد متعدي ساخته مي شود.
- و سه وزن دارد :
- ۱. مفعل چون : مبرد
- ۲. مفعله چون : ملعقة
- ۳. مفعال چون : مفتاح
- ص ۵۷

## اسم آلت

- اسم آلت غیر مشتق:
- در وزنهای گوناگون آمده است و دارای ضابطه ای نیست
- مانند: فاس و جرس
- ص ۵۷

# اسم

- اسم یا صحیح الاخر است یعنی آخر آن حرف صحیح جز همزه است
- مانند : رجل
- یا شبه صحیح است
- مانند: ظبي
- یا آنکه آخر اسم مقصور ممدود یا منقوص است
- ص ۵۸

# مقصور

- مقصور اسم معربي است كه آخر آن حرف الف آن ثابت باشد. خواه به صورت الف كشيده باشد يا با صورت ياء
- مانند: العصا- الفتى
- ص ۵۹

# ممدود

- ممدود اسم عربي است مختوم به حمزه كه پيش از آن الفي زايد آمده باشد
- مانند اعطاء
- ص ۵۹

# منقوص

- منقوص اسمي است معرب که حرف آخر آن یاء و پیش از یاء کسره ثابت باشد
- مانند: الداعي
- ص ۵۹

# مثنی

- مثنی اسم مفردی است که با افزودن الف و نون یا یاء و نون به آخر آن به جای دو اسم مفرد که در لفظ و معنی یکسان هستند می نشیند.
- مانند: هذان رجالان
- ص ۶۳



# جمع

- جمع اسمي است که از راه افزوده اي در آخر آن يا به وسيله دگرگون ساختن ساختمان آن بر سه يا بيش از آن دلالت مي کند.
- مانند: مسلمون و کاتبين
- ص ۶۸

# جمع

- جمع بر سه گونه است :
- جمع مذکر سالم
- جمع مؤنث سالم
- جمع مکثر
- ص ۶۸

# جمع

- جمع مذکر سالم آن است که در ساختمان مفرد آن هیچ تغییری پدید نیاید. واو و نون مفتوح در حالت رفعی و یاء و نون مفتوح در حالت نصبی و جری به آخر آن افزوده شود

- مانند: مؤمنین و مؤمنون

- ص ۶۸

# جمع

- قاعده كلي: در جمع موونث سالم آن است كه الف و تاء كشيده يي به آخر مفرد افزوده شود بي آنكه در ساختمان اسم مفرد تغيير روي دهد
- مانند: مريم      مريمات
- ص ۷۴

# اسم علم مؤنث

- اسمهاي علم مؤنث
- مانند زينب      زينبات
- اسمهايي که داراي نشانه تانيث باشند
- مانند جميله      جميلات
- مصدر بيش از سه حرفي
- مانند احسان      احسانات
- ص ۷۶

## اسم مؤنث

- این الفاظ را که در شکل و اعراب چون جمع مؤنث سالم ولی دارای شروط آن نیستند ملحق به جمع مؤنث سالم دانسته اند : بنات- اخوات - اولات

• ص ۷۸

# جمع

- جمع مکسر جمعی است که ساختمان مفرد آن دگرگون شده است مانند کتب - فضلاء

- ص ۷۹

# جمع

- جمع مكسر بر دو گونه است :
- جمع قلة
- جمع كثرة
- ص ۸۰



# جمع

- جمع قلة آن است که از سه تا ده را فرا بگیرد. یعنی برای بیان عدد کم به کار رود
- مانند احوال
- ص ۸۰

# جمع

- جمع کثرة:
- سه و بیش از آن را بی هیچ محدودیتی در بر می گیرد
- مانند: قلوب
- ص ۸۰

# جمع

- گاهی برای بالا بردن شماره افراد جمع بار دیگر آن را جمع می‌بندند
- مانند: ایادی جمع ایادی که خود جمع لفظ ید است
- ص ۹۱

# جمع

- اسم جمع اسمي است داراي معني جمع بي آنکه از لفظ خود مفردي داشته باشند
- مفرد آد از معنايش بدست مي آيد
- مانند: جيش
- ص ۹۱

# اسم جنس

- اسم جنس اسمی است که همه افراد خود را به طور یکسان در بر گیرد
- مانند: انسان یا انس
- ص ۹۲

# اسم علم

- اسم علم اسمي است که از میان افراد جنس تنها يك فرد را نشان مي دهد
- ص ۹۲

# اسم علم

- علم دو گونه است :
- ۱. علم مفرد مانند: حسن
- ۲. مرکب مانند : عبدالله ( ترکیب اضافی )
- بیت لحم ( ترکیب مزجی ) و تابط شرا ( ترکیب اسنادی )
- ص ۹۲

# اسم علم

- در ترکیت اضافی اسم علم از مضاف و مضاف الیه ترکیب یافته است.

- ص ۹۲



## اسم علم

- در ترکیب مزجی با حسب حرف عطف واو دو اسم را به هم آمیخته و به شکل يك اسم درآورده اند .

- ص ۹۳

# اسم علم

- در ترکیب اسنادي يك جمله که میان اجزاي آن پیوندي اسنادي وجود داشته به طور مرکب و بدون در نظر گرفتن معاني اجزاي آن نام يك شخص قرار گرفته است
- مانند: تابط شرا
- ص ۹۳

# اسم علم

- کنیه و لقب نیز گونه ای از اسم علم است
- ص ۹۳

# اسم علم

- کنیه اسمی است که در آغاز آن الفاظ اب و ام نیز ابن و بنت آمده باشد
- مانند: ابوالبشیر
- ص ۹۳

# اسم علم

- لقب اسمي است که با توجه به ویژگی های جسمي روجي اخلاقي و بر بنياد ستايش يا نکوهش از سوي مردم به کسي داده مي شود
- مانند: زين العابدین
- ص ۹۳

# مذکر

- مذکر اسمی است که به انسان و جانور نر دلالت می کند و بتوان با لفظ هذا به آن اشاره کرد
- مانند: رجل
- ص ۹۴

# مونث

- مونث اسمي است که به جنس ماده دلالت مي کند و اشاره به لفظ هذه به ان درست باشد.
- مانند: ام
- ص ۹۴

## مذکر و مونث

- در کاربرد اسمها در زبان عربی برخی از اسامی اشیاء را همچون اسم مذکر و برخی دیگر را مانند مونث به کار برده اند. این چنین اسمها را مذکر و مونث مجازی نام نهاده اند. مانند : کتاب
- ص ۹۴



# مؤنث

- تاء تانیث (تاء مربوطه) الف مقصوره و الف ممدوده زاید بر حروف اصلي کلمه نیز اسم مؤنث حقیقی بی تاء تانیث نشانه های مؤنث بودن اسم اند
- مانند: فاطمه . حمراء . بیداء . زینب . سعاد
- ص ۹۵

# مؤنث

- لفظي:
- مؤنث لفظي اسم مذکر حقيقي است که داراي تاء تانيث مي باشد
- مانند: حمزه
- ص ۹۵

# مؤنث

- معنوي : مؤنث معنوي اسم مؤنثي است که به ظاهر داراي نشانه تانيث نباشد
- مانند: مريم
- ص ۹۵

# مؤنث

- لفظي و معنوي:
- مؤنث لفظي و معنوي آن است که نشان دهنده مؤنث باشد و در عین حال از علامت تانیث نیز برخوردار باشد.
- مانند: حلیمه
- ص ۹۵

# مؤنث

- اسم هاي علم مؤنث
- مانند: مریم . زينب مؤنث معنوي است
- ص ۹۵

# مؤنث

- اسمهاي مخصوص به مؤنث مانند ام و اخت مؤنث معنوي است

- ص ۹۵

# مؤنث

- نام کشورها شهر و قبیله ها
- چون مصر. دمشق . قریش مؤنث معنوی است.
- ص ۹۵

# مؤنت

- نام بعضي از اعضاي زوج بدن
- مانند عين و رجل و يد مؤنت معنوي است
- ص ۹۵



# مؤنث

- صفات مخصوص مؤنث بیشتر بی تاء تانیث به کار رفته اند.
- مانند: امرأة . عاقر . طالق و حامل.
- ص ۹۶

# نسبت

- نسبت عبارت است از افزودن یایی مشدد به آخر اسم تا چیزی به آد منسوب گردد
- مانند: لبنانی
- ص ۹۷

# نسبت

- به اسم که یاء مشدد به آن پیوسته است منسوب گویند .
- ص ۹۷

# نسبت

- اسم داراي ياء نسبت بايد از تاء تانيث و علامت تسنيه و جمع تهى و حرف پيش از ياء نسبت همواره مكسور باشد
- مانند: فاطمي - النهري - كتابي و متجري
- ص ۹۸

# نسبت

- عین الفعل همه اسمهای ثلاثی مکسورالعین در حالت نسبت مفتوح می گردد
- مانند: ملکی
- ص ۹۹

# نسبت

چنانچه حمزه اسم ممدود اصلي باشد در حالت نسبت تغييری  
نمی کند .

مانند: وضاء - وضایی

ص ۹۹

# نسبت

- در صورتی که حمزه زاید و برای تانیث باشد به واو قلب می‌گردد
- مانند بیضاء بیضاوی
- ص ۹۹

# نسبت

- اسم شبه صحیح بی هیچ تغییر یاء نسبت می پذیرد
- مانند: دلوی
- و در نسبت به دلو و ظبی
- ص ۱۰۱



# نسبت

- چنانچه یاء مشدد پس از حرف نخستین کلمه بیاید یاء دوم به واو قلب و یاء اول مفتوح و به اصل خود باز می گردد
- مانند: حیوی و طووی در نسبت به حی و طی
- ص ۱۰۱

# نسبت

- هر اسم ثلاثي که لازم الفعل آن حذف شده و دو حرف از حروف اصلي آن به جا کانده باشد. در حالت نسبت حرف حذف شده بدان باز مي گردد.

- مانند: ابوي

- ص ۱۰۲

# نسبت

- در اسم مرکب اسنادي مانند تابط شرا بخش آخر مرکب حذف مي گردد و يائ نسبت به بخش نخست آن مي پيوندند و گفته مي شود : تابطي
- ص ۱۰۳

# نسبت

- در ترکیب مزجی مانند معدی کرب نیز بهتر است که مانند بالا یای نسبت به پاره نخست مرکب پیوندد و گفته شود:

- معدوی

- ص ۱۰۳

# نسبت

- در ترکیب اضافی یای نسبت گاه به بخش نخست زمانی به بخش آخر و گاهی نیز به همه اسم مرکب می پیوندد.
- مانند: دیرانی- منافی و عین ابلی
- در نسبت به دیر القمر
- ص ۱۰۳

# تصغیر

- تصغیر :
- عبارت است از مضموم نمودن حرف اول و فتحه دادن به حرف دوم و افزودن یایی ساکن پس از حرف دوم اسم معرب.
- مانند: قلیم- دریهم
- ص ۱۰۵

# تصغیر

- به اسمی که شکل تصغیر یافته است مصغر گویند.
- ص ۱۰۵

# تصغیر

هدف از به کار بردن تصغیر در اسم نشان دان یکی از معانی زیر در آن است:

تقلیل

تصغیر

تحقیر

تقریب

برای تحبب

ص ۱۰۵



# تصغیر

- تصغیر دارای سه وزن است :
- فعل - فعیل - فعیعل
- مانند: جبیل - دریهم و مفییح در تصغیر جبل - درهم و مفتاح
- ص ۱۰۵

# تصغیر

- وزن تصغیر در اسم ثلاثی فعیل به ضم نخست و فتح دوم است
- مانند: رجل = رجیل
- ص ۱۰۶

# تصغیر

- در اسم رباعي و بالاتر از آ > حرف پس از یاء تصغیر مکسور می گردد
- مانند: جعفر = جعیفر
- ص ۱۰۶

# تصغیر

- هرگاه اسمی که حرف سوم آن الف یا واو است تصغیر گردد الف و واو قلب به یاء و در یاء تصغیر ادغام می گردد
- در تصغیر عصا و عجوز گفته می شود عسی و عجیز
- ص ۱۰۶

# تصغیر

- در تصغیر مونث معنوی در صورتی که اسم موصوف سه حرفی باشد اغلب تاء تانیث مقدر آشکار می گردد.
- مانند: شمس - شمیسه
- ص ۱۰۷

# تصغیر

- چنانچه پس از حذف حرف آخر اسم دارای دو حرف گرد دو حرف حذف شده در تصغیر باز می گردد
- مانند: اب = ابي

# تصغير

- تصغير جمع قله روي ساختمان خود جمع انجام مي گيرد
- مانند: اعمدة در تصغير اعمدة
- ص ۱۰۸

# تصغیر

- جمع کثره را هنگام تصغیر به مفرد آن باز می گردانند. سپس چنانچه مذکر عاقل باشد به صورت جمع مذکر و گرنه در شکل جمع مونث به کار می رود
- مانند: شويعرون در تصغیر شعرا و نويقات و جميلات و در تصغیر نياق و جمال
- ص ۱۰۸



# اعراب

- اعراب عبارت است از دگرگونی آخرین حرف اسماء و افعال به سبب دگرگونی عامل پیش از آنها.
- مانند: قدم المعلم . رایت المعلم . سلمت علي المعلم
- ص ۱۱۰

# بناء

- بناء عبارت است از ثبات و یکنواختی آخرین حرف کلمه که این ثبات زائیده عامل نیست
- مانند: من جاء؟ من رایت؟ الي من تنظر؟
- ص ۱۱۰

# مبني

- از میان افعال فعل ماضي و امر مبني است.
- ص ۱۱۰

# مبني

- ضمائر اسماء اشاره اسماء موصول. اسماء استفهام. اسماء شرط. برخي از کنایات شماری از ظروف و اسماء افعال و اصوات همواره مبني هستند و نیز غیر متصرف
- ص ۱۱۱

# مبني

- همه حروف نیز مبني هستند و پیوسته در يك شکل دیده مي شوند.

- ص ۱۱۱

# ضمير

- ضمير کلمه اي است که براي جلوگيري از تکرار اسم و سبک گشتن بار لفظي جمله جاي اسم ظاهر مي نشيند.

- ص ۱۱۲

# ضمير

- ضمير بر دو گونه است: منفصل و متصل
- ص ۱۱۲

# ضمير

- ضمير منفصل آنست که بتواند در آغاز جمله بیاید یعنی با آن سخن آغاز کنند و نیز بتواند پس از کلمه الا جای گیرد.
- مانند: هوالذي
- ص ۱۱۲



# ضمير

- ضمير متصل همچون پاره اي از کلمه پيش از خود است و هيچگاه نمي تواند جدا از آن به کار رود
- مانند: ها در علمه
- ص ۱۱۲

# ضمیر

- ضمیرهای مستتر نیز در شمار ضمایر متصل اند
- فرهاد کتب
- ص ۱۱۲

# ضمير

- منفصل مرفوع كه الفاظ آن عبارت است از :
  - متكلم: انا نحن
  - مخاطب: انت انتما انتم
  - غايب: هو هما هم
  - ص ۱۱۳
- انت انتما انتن  
هي هما هن

# ضمير

- منفصل منصوب و الفاظ آن چنین است:
  - متکلم: اياي ايانا
  - مخاطب: اياك اياکما اياکم
  - غایب : اياه اياهما اياهم
  - ص ۱۱۳
- اياك اياکما اياکن  
اياها اياهما اياهن

# ضمير

- ضمير متصل تنها به فعل مي پيوندد
- مانند: ا- و-ن-ت-تما-تم-ت تما-تن-ت-نا-ي
- اين ضميرها با فعل معلوم فاعل و با فعل مجهول نايب فاعل خواهند بود
- ص ۱۱۳

# ضمير

• ضميرهاي متصل به هر سه کلمه اسم – فعل – حرف

• ۱۱۴

## ضمير

- يه جز ضميرهاي مستتر در مفرد مذکر مخاطب فعل مضارع و امر متکلم وحده و مع الغير مضارع نیز به جز ضميرهاي که ممکن است در مفرد مذکر و مونث غایب فعل مستتر گردند همه ضميرهاي ديگر بارزند.

- ص ۱۱۴

# اسم اشاره

- اسم اشاره :
- کلمه اي است که با اشاره حسي کسي يا چيزي را نشان دهد .
- مانند: هذا الكتاب و هذه المسطرة
- ص ۱۱۶



# اسم اشاره

- اسم اشاره بر سه گونه است:
- اسم اشاره به نزدیک
- اسم اشاره به متوسط
- اسم اشاره به دور
- ص ۱۱۶

# اسم موصول

- اسم موصول کلمه اي است که معني آن تنها به کمک جمل يا شبه جمله يي که پس از آن مي آيد و صله نام دارد تمام مي شود
- مانند: اقرا کتابک الذي يعلمک القواعد
- ص ۱۱۸

# اسم موصول

- موصول بر دو گونه است:
- موصول مشترك
- موصول خاص
- ص ۱۱۸

# اسم موصول

- موصول مشترك با يك لفظ براي مفرد مثني جمع مذکر و مونث به کار مي رود
- اينها الفاظ موصول مشترك است:
- من — ما — ذا- اي
- ص ۱۱۸

# اسم موصول

- من رباي عاقل است
- مانند: اقبل عذر من اعتذر اليك
- ص ۱۱۸

# اسم موصول

- ما براي غير عاقل است مانند افعل ما هو مفيد للمجتمع
- ص ۱۱۸

# اسم موصول

- ذا و اي براي عاقل و غير عاقل به كار رفته است
- مانند: ما ذا فعلت؟ نحو اي عمل هو مفيد
- ص ۱۱۹

# اسم موصول

- موصول خاص براي هر يك از : مفرد مثني جمع مذکر و مونث داراي لفظي جداگانه است
- ص ۱۱۹



# اسم موصول

- نمونه اي براي موصول خاص
- مذکر مفرد مثني جمع
- الذي اللذان. اللذين
- (انکه. کسي که. که) (آنانکه. که) (آنانکه. کساني که)
- مونث التي التان. اللتين اللاتي . اللواتي
- ص ۱۱۹

# اسماء شرط

- اسماء شرط کلماتي هستند که در آغاز جمله مي آیند و پس از آنها دو جمله وابسته به هم (جمله شرط و جمله جزائی) قرار مي گيرد
- مانند: من یکسل يخسر
- ص ۱۲۰

## اسماء شرط

- اسماء شرط ده تاست:
- من. مت. مهما. ايان. اين. اني. حيثما. كيفما و اي
- ص ۱۲۰

# اسماء استفهام

- اسماء استفهام الفاضي هستند که در آغاز جمله براي پرسش به کار برده مي شوند
- مانند: كيف انت؟
- ص ۱۲۰

# اسماء استفهام

- من ما من ذا متي ايان اين كيف اني كم و اي
- ص ۱۲۰

# اسماء استفهام

- من براي پرسش از عاقل است
- مانند: من فعل هذا بالهتيا؟
- ص ۱۲۰

# اسماء استفهام

- ما براي پرسش از غير عاقل است
- مانند: و ما تلك بيمينك يا موسي؟
- ص ۱۲۰

# اسماء استفهام

- من ذا : این کلمه برای پرسش از عاقل به کار می رود
- مانند: من ذالقیث؟
- ص ۱۲۱



# اسماء استفهام

- ماذا این کلمه مانند من ذا است جز آنکه از آن برای پرسش از غیر عاقل سود می جویند
- مانند: ماذا اشتریت؟
- ص ۱۲۱

# اسماء استفهام

- متي و ايان
- براي پرسش از زمان است.
- ص ۱۲۱

# اسماء استفهام

- با این از مکان پرسش می کنند
- ص ۱۲۱

# اسماء استفهام

- با ککيف و اني از چگونگي ها و اوصاف مي پرسند.
- ص ۱۲۱

# اسماء استفهام

- کم براي پرسش از شماره و تعداد مي آيد.
- ص ۱۲۱

# کنایه

- کنایه :
- سخن گفتن از چیزی معلوم با لفظی غیر صریح است
- ص ۱۲۱

# کنایه

- الفاظ مشهور کنایه بدین گونه است:
- کم کاین کذا
- ص ۱۲۱

# کنایه

- کم (کم خربي) و کاین (را تنها براي کنایه از عدد به کار مي برند).
- مانند: کم کنابا رایت في المكتبه . و کاین من قریه اهلکناها
- ص ۱۲۱



# کنایه

- از کذا براي کنایه از عدد گفت و گو و کار سود مي جویند
- مانند: عندي کذا و کذا ریالا؟
- ص ۱۲۲

# ظرف

- ظرف لفظي است كه با همراه داشتن معني حرف جر في :  
در به زمان با مكان دلالت دارد
- مانند: قف مكانك
- ص ۱۲۲

# ظرف

- ظرفهاي زمان : اذا . امس . اذا . قط . لما . متي . الان
- ص ۱۲۲

# ظرف

- ظرفهاي مكان :
- حيث. لدن. لدي. اين. هنا. ثم
- ص ١٢٢

# اسم فعل

- اسم فعل کلمه اي است در شکل اسم ولي داراي معني فعل
- ص ۱۲۲

# اسم فعل

- برخی از اسما افعال ماضی زمان گذشته است
- مانند: سرعان (اسرع: شتافت)
- ص ۱۲۳

# اسم فعل

- شماری از اسماء افعال مضارع آمده است :
- مانند: اف
- ص ۱۲۳

# اسم فعل

- برخي ديگر از آنها كه بيشترين شماره اسماء افعال را در بر مي گيرد. به معني امر به كار رفته است.
- مانند : اليك
- ص ۱۲۳



## اسم فعل

- اسماء افعال در صورتي كه بدون كاف استعمال شوند  
پيوسته به صورت مفرد و براي مذكر مونث مفرد مثني و  
جمع يكسان خواهند بود.
- ص ۱۲۳

# عدد

- عدد اسمي است ه ب كميت چيزهاي قابل شمارش دلالت مي كند و بر دو گونه است
  - اصلي
  - ترتيبی

## عدد

- مفرد که آن از واحد تا عشرة (۱ تا ۱۰) است . منه و الف نیز اعداد مفرد است .

- ص ۱۲۳

## عدد

- عدد مرکب که از احد عشر تا تسعه عشر (۱۱ تا ۱۹) در بر مي گيرد.
- ص ۱۲۴

## عدد

- عقود که از عشرون تا تسعون (۲۰ تا ۹۰) است.
- ص ۱۲۴

## عدد

- عدد معطوف و آن از واحد و عشرون تا تسعه و تسعون (۲۱ تا ۹۹)
- ص ۱۲۴

## عدد

- اسم بعد از عدد دو گونه اعراب دارد:
- جریا ثلاثه و عشره و مابین آن دو همچنین با مئه و الف
- مانند: ثلاثه رجال
- نصب با احد عشر و تسعه و تسعین و ما بین آنها
- مانند: احد عشر کتابا
- ص ۱۲۴

## عدد

- در عدد مرکب ال بر سر جزء نخستین در می آید
- مانند: ذهب الثلاثة عشر رسولا
- ص ۱۲۴



## عدد

- در عدد معطوف ال بر هر دو جزء داخل می شود.
- مانند:

قرات السبعه والعشرين ورقا

ص ۱۲۴

## عدد

- عدد هاي از ثلاثه تا عشره با مذکر با تاء و يا مونث بي تاء به کار مي روند.
- مانند: اربعه کتب و اربع طالبات
- ص ۱۲۵

## عدد

- واحد و اثنان با مذکر مذکر و یا مونث مونث می شوند .
- مانند:
- رجل واحد
- ص ۱۲۵

عدد

- مئة و الف با مذکر و مونث یکسانند
- مانند: مئة طالب.
- ص ۱۲۵

## عدد

- جزء اول عدد مرکب با مذکر مونث است و با مونث مذکر
- مانند: خمسة عشر درهما سبع عشرة تفاحة
- ولي احد عشر و اثني عشر با مذکر مذکر و با مونث مونث  
مي شوند
- مانند: احد عشر رجلا.
- ص ۱۲۴

## عدد

- هر دو جزء عدد مرکب مبني بر فتح است به جز اثني عشر و اثنتا عشرة که جزء اول آنها معرب به اعراب مثني است.
- ص ۱۲۵

## عدد

- عقود (عشرون. ثلاثون و ...) در مذکر و مؤنث یکسانند.
- مانند: عشرون رجلا . عشرون امرأة
- ص ۱۲۵

[www.salampnu.com](http://www.salampnu.com)

## سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

[www.salampnu.com](http://www.salampnu.com)